

Reports on the *Fadak* Conflict in Ibn al-Sa'd's *al-Tabaghat al-Kobra*: A Review and Critique

Mojtaba Soltani Ahmadi^{*}

Sara Khatami^{**}, Mostafa Gohari Fakhrabad^{***}

(Received: 01/05/2021; Accepted: 07/11/2021)

Abstract

The reports of *Fadak* incident as one of the main Shiite-Sunni conflicts in the earlier historical sources are very contradictory and have many differences. Ibn Sa'd, as a supporter of Abu Bakr and the school of caliphs, tried to show in the book *al-Tabaghat al-Kobra* that no expropriation was made about *Fadak* and that Abu Bakr and the first caliphs followed exactly the Prophet's (S) tradition. In his opinion, despite the request of Fatima (AS), the Prophet (S) did not give *Fadak* to her as a gift and her claim to own it through inheritance did not go anywhere due to a hadith narrated by Abu Bakr. After comparing the narrations of Ibn Sa'd with the reports of historians of the same time and later eras, the present article found some narrations that apparently were not intentionally mentioned in *al-Tabaghat al-Kobra*. The sum of these reports led us to the conclusion that Ibn Sa'd, in order to defend the legitimacy of the Caliphate of Abu Bakr and to show the obedience of Abu Bakr and his followers to the Prophet's tradition, sought to deny and conceal some historical facts related to this incident and to portray it as he wished.

Keywords: Al-Tabaghat al-Kobra, Ibn Sa'd, Fadak, Critique of Historical Narrations.

* Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author), msoltani94@pnu.ac.ir.

** Master's Graduate in Shiite History, Payame Noor University, Tehran, Iran, khatmai110@gmail.com.

*** Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, gohari-fa@um.ac.ir.

بررسی و نقد گزارش‌های مربوط به مناقشه فدک در الطبقات الکبری ابن سعد

مجتبی سلطانی احمدی*

سارا خاتمی**، مصطفی گوهری فخرآباد***

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۶]

چکیده

گزارش فدک به عنوان یکی از اختلافات اصلی شیعه و سنی در منابع متقدم تاریخی بسیار ضد و نقیض و با اختلافات متعددی همراه است. ابن سعد، در مقام یکی از طرفداران ابوبکر و مکتب خلفاء، کوشیده است در کتاب *الطبقات الکبری* نشان دهد درباره فدک مصادره‌ای صورت نگرفته و ابوبکر و خلفای نخستین دقیقاً در مسیر سیره نبوی گام زده‌اند. به نظر وی، پیامبر به رغم درخواست فاطمه (س) فدک را به ایشان نبخشید و ادعای فاطمه (س) برای طلب آن از طریق ارث نیز به سبب حدیث منقول از ابوبکر راه به جایی نمی‌برد. در مقاله پیش رو پس از مقایسه روایات ابن سعد با گزارش‌های مورخان همان دوره و اعصار بعد، روایاتی یافت شد که ظاهراً در کتاب *الطبقات* تعمداً ذکر نشده است. مجموع این گزارش‌ها ما را بدین نکته می‌رساند که ابن سعد، در جهت دفاع از مشروعیت خلافت ابوبکر و نشان دادن تبعیت ابوبکر و طرفدارانش از سیره پیامبر، در صدد انکار و پنهان‌سازی برخی واقعیات تاریخی مربوط به این حادثه و تصویر آن به صورتی که خود تمایل داشته، برآمده است.

کلیدواژه‌ها: *الطبقات الکبری*، ابن سعد، فدک، نقد روایات تاریخی.

* استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) msoltani94@pnu.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران khatmai110@gmail.com

*** استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران gohari-fa@um.ac.ir

مقدمه

گزارش حوادث مربوط به صدر اسلام از دو شاهراه اصلی احادیث و اخبار صورت گرفته است که با یکدیگر از لحاظ صورت و محتوا تفاوت‌های جدی دارند. ابن سعد (متوفای ۲۳۰ ه.ق.) به عنوان محدث و مورخ بی‌گناهی کوشیده است راه میانه را در پیش گیرد و در عین پای‌بندی به شیوه مورخان (اخباریان)،^۱ در اعتقاد خود را به عنوان محدثی معتقد به مکتب خلفا نشان دهد. گرچه ابن سعد در الفهرست در عداد اخباریان دانسته شده (ابن‌ندیم، ۱۴۱۷: ۱۲۸/۱)، اما با توجه به روش تاریخ‌نگاری وی که مبتنی بر ذکر اسناد است، او را بیشتر باید محدث و مورخ به حساب آورد، چنان‌که فوک (Fück) نیز وی را «محدث» (traditionist) دانسته است (Fück, 1986: 3/922). ابن سعد در علم حدیث به مقام «حافظ» رسیده بود و ابن حجر از او با عنوان «احد حفّاظ الکبار الثقات المتحرّین» یاد کرده است (ابن حجر، بی‌تا: ۱۸۳/۹). اصحاب حدیث عمدتاً وی را برخلاف استادش واقدی، به عنوان راوی ثقه ستوده‌اند. ضمن آنکه علقه‌اش به حدیث و عقاید محدثان در کتاب وی پیدا است (نک: ادامه).

جریان اهل حدیث در نیمه نخست قرن سوم هجری، جریان غالب در میان اهل سنت بود و نگاهشان به تاریخ اسلام با نگاه مورخان تفاوت‌های اساسی داشت. یکی از این تفاوت‌ها ماجرای فدک بود که با اختلافات چشمگیری نقل شده است. جریان اهل حدیث کوشیدند با حفظ جایگاه صحابه و نپرداختن به اختلافات آنها، نارضایتی فاطمه (س) از عملکرد خلفای وقت، در خصوص میراث پدر، فدک، جانشینی رسول خدا (ص) و در نهایت سفارش فاطمه (س) به دفن مخفیانه خویش در اعتراض به عملکرد آنان را تطهیر کنند.

اختلاف بر سر مالکیت فدک پس از رحلت رسول خدا (ص) باعث شد این ماجرا در منابع حدیثی و تاریخی، بازتاب گسترده‌ای بیابد و مباحث کلامی و فقهی درباره‌اش مطرح شود. جوهری بصری (متوفای ۳۲۳ ه.ق.) کتاب مستقلى به نام السقیفة والفدک تألیف کرد که نشان از اهمیت این موضوع در آن دوران دارد. ضرورت پیگیری بحث فدک در ادوار بعد

موجب شد این کتاب در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید نیز نقل شود (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۲۱۰/۱۶ به بعد). پس از قرن چهارم موضوع فدک به مباحث کلامی راه یافت و در برخی کتاب‌های کلامی نیز مطرح شد. علمای شیعه در قرن چهارم و پنجم، توجه ویژه‌ای به گزارش‌های فدک نشان دادند (صفری فروشانی و عالمی، ۱۳۹۳: ۲۹۴/۱). این موضوع در قرون بعدی نیز ادامه یافت. در دوران معاصر پژوهشگران کتاب‌های مختلفی راجع به این موضوع نگاشتند و هر یک با بینش خود، ماجرا را تحلیل، و نظریاتشان را مطرح کردند. در این مقاله کوشیده‌ایم با روش تحلیل تاریخی اخبار و روایات کتاب طبقات الکبری اثر ابن سعد را از طریق مقایسه با منابع کهن تاریخی و گاه غیر آن بررسی کنیم تا صحت و سقم این روایات و انگیزه‌های ابن سعد از نقل چنین روایاتی و ذکر نشدن برخی دیگر از روایات روشن شود.

پیشینه پژوهش

بیشتر آثاری که در این حوزه به نگارش درآمده با رویکرد حدیثی، فقهی یا کلامی بوده است. پژوهشی موجود نیست که به دور از باورهای کلامی، بررسی و نقد گزارش‌های کهن را با محوریت اخبار فدک در الطبقات الکبری ابن سعد (از مهم‌ترین منابع متقدم) انجام داده باشد، در حالی که او نخستین مورخی است که به طور ویژه به ماجرای فدک توجه کرده است. در عین حال پژوهش‌های مفیدی با موضوع فدک نگاشته شده است. مثلاً می‌توان از مقاله «فدک» نوشته صفری فروشانی و عالمی در کتاب دانش‌نامه فاطمی (س) و مقاله‌ای با همین نام از رضا استادی در دانش‌نامه امام علی (ع) نام برد.

پایان‌نامه وینی خطیا با عنوان «فاطمه (س) محور نزاع و مصائب در منابع اسلامی» درباره مسائل اختلافی فاطمه (س) با دستگاه حکومت بر پایه منابع اسلامی است. نویسنده معتقد است ابن سعد در مطرح کردن مسائل مربوط به صحابه کاملاً جانبدارانه و در راستای حمایت از عقیده «عدالت صحابه» عمل کرده و در گزارش‌های ناهمساز و نامتجانس از مصادره فدک نیز علی‌رغم تلاش برای مشروع جلوه دادن عمل ابوبکر، در بهترین حالت موضوع را در حالت ابهام نگه داشته است.

کتاب فاطمة بنت محمد (ص): سیرتها، فضایلها، مسندها نمونه‌ای از نگاه وهابیت سلفی است که موضوعات اختلافی شیعه و سنی را به نمایش می‌گذارد. مؤلف بدون در نظر گرفتن منابع تاریخی، فقط به برخی منابع حدیثی و رجالی اهل سنت مراجعه کرده و در این دایره محدود نیز چنانچه حدیثی مخالف عقیده وی باشد دست به توجیه زده و عقیده خود را به عنوان عقیده اهل سنت و جماعت معرفی کرده است. او دو صفحه از کتاب هفت جلدی‌اش را به فدک اختصاص داده و سخنی از ادعای زهرا (س) مبنی بر بخشیده شدن فدک از طرف پیامبر نکرده و خبر مطالبه فدک به عنوان میراث را نیز با نقل حدیث ابوبکر تمام شده قلمداد کرده است (المدیهش، ۱۴۴۰: ۲۷۷/۱، ۲۲۹/۲، ۲۳۳). او همچون ابن سعد، فاطمه (س) را ناآگاه از سنت پیامبر دانسته که ابوبکر وی را آگاه کرده است (همان: ۲۷۷/۱). هرچند نتوانسته است به سبب وجود حدیثی مفصل در صحیح بخاری منکر ناراحتی فاطمه (س) از ابوبکر و سخن‌نگفتن با او تا پایان عمر شود (همان: ۲۷۸/۱)، اما آن را (در ۲۰ صفحه!) چنین توجیه می‌کند که منظور سخن‌نگفتن درباره فدک بوده است (همان: ۴۷۴/۴-۴۹۵). به باور او، فاطمه (س) از ابوبکر راضی شد (همان: ۳۶۶/۴ به بعد)، همچنان که هیچ اعتراضی به انتخاب ابوبکر نکرد (همان: ۲۷۸/۱) و خطبه فدکیه نیز کاملاً دروغ و ساخته دست شیعیان است (همان: ۴۳۱/۴).

مقاله پیش رو با توجه به اهمیت کتاب الطبقات ابن سعد موضوع فدک را در این کتاب بررسی کرده و کوشیده است نمونه‌ای از اختلاف شیوه مورخان و محدثان را بکاود و نشان دهد چگونه محدثان و شماری از مورخان در گزارش آن دست به قلب واقعیت زدند. تفاوت اصلی این مقاله با آثار سابق ابتدای آن بر گزارش‌های تاریخی و مقایسه‌شان با آثار یکی از مهم‌ترین نمایندگان مکتب محدثان بغدادی است تا بدین وسیله نحوه گزارش ابن سعد راجع به فدک و دیدگاه‌هایشان در قبال این ماجرا روشن شود. ضمناً تصویری که از فاطمه (س) بر مبنای گزارش‌های فدک در الطبقات ترسیم شده، در این مقاله محل توجه قرار گرفته است.

۱. بررسی دعوی هبه بودن فدک در منابع تاریخی

به گزارش ابن سعد، فدک^۲ روستایی در حجاز بود که تا مدینه شش شب راه فاصله داشت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۶۹/۲). آنجا یکی از سه منطقه اختصاصی و ویژه پیامبر (ص) بود که درآمدش صرف فقرا می شد (همان: ۳۹۰/۱، ۳۰۲/۵؛ نیز نک: ابن هشام، بی تا: ۳۳۷/۲، ۳۵۳؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۸-۳۹؛ طبری، ۱۳۸۷: ۱۵/۳؛ مسعودی، بی تا: ۲۲۴). مؤلف *الطبقات* برخلاف روایات مشهور در این خصوص، می گوید پس از آنکه فدک ویژه رسول خدا (ص) شد و درآمدش به مصرف در راه ماندگان اختصاص یافت،^۳ فاطمه (س) از پدر خواست آن را به وی ببخشد، ولی رسول خدا (ص) درخواست ایشان را نپذیرفت (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۲/۵). ابن سعد خبر مطالبه فدک از طرف فاطمه (س) به عنوان سهم الارث و هبه و دفاع علی (ع) از همسر را گزارش کرده (نک: ادامه)، اما مصدوره فدک (ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱: ۴۶۴/۲؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۳۰۲/۱۳) را نپذیرفته و معتقد است خلیفه اول و پس از او عمر^۴ و عثمان در دوران خلافتشان، درباره فدک همچون رسول خدا (ص) عمل کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۲/۵).^۵ ابن سعد درباره سیاست علی (ع) به هنگام خلافت خویش در مقابل فدک سخنی نگفته است.

مؤلف کتاب *الطبقات* خبر بازگرداندن فدک به خاندان فاطمه (س) در زمان خلفای اموی و عباسی را، که می تواند شاهی بر اختصاص فدک به فاطمه (س) باشد (نک: ادامه) نپذیرفته و با صحه گذاشتن بر عمل خلیفه اول، عملکرد عمر بن عبدالعزیز را نیز شیوه رسول خدا (ص) و خلفا خوانده است. به گزارش وی، عمر بن عبدالعزیز که هنگام به خلافت رسیدن هیچ منبع درآمدی جز سالانه حدود ده هزار دینار نداشت و فدک را به ارث برده بود، راجع به آن پرس و جو کرد تا از سابقه اش جويا شود و پس از اطلاع از وضعیت آن در زمان پیامبر (ص)، خلفای راشدین و روزگار معاویه، برای ابوبکر بن محمد بن حزم، حاکم مدینه، نوشت تا فدک را به وضعیت زمان رسول خدا (ص) و خلفا در بیاورد (همان: ۳۰۳/۵).^۶

بلاذری (متوفای ۲۷۹ ه.ق.) با ذکر خبر درخواست فاطمه (س) از پدر برای اهدای فدک به ایشان و نپذیرفتن رسول خدا (ص) و نیز اخبار مطالبه فدک از طرف فاطمه (س)، گواهی علی (ع) و ام‌ایمن^۷ بر صحت گفتار فاطمه (س) و عملکرد یکسان عمر بن عبدالعزیز در مواجهه با فدک به شیوه رسول خدا (ص) و خلفا، گزارشی مشابه با گزارش‌های ابن‌سعد داده است (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۰-۴۲؛ همو، ۱۴۱۷: ۱۶۸/۸).^۸ به نظر می‌رسد بلاذری با ذکر روایت دیگری^۹ بر تعلق‌نداشتن فدک به فاطمه (س) صحه گذاشته، اما برخلاف ابن‌سعد، فرمان مأمون را در این باره گزارش کرده است. بلاذری گزارش بازگرداندن فدک به اولاد فاطمه (س) و تصریح مأمون را که «فاطمه (س) بر هر شخص دیگری اولی است تا گفته‌اش در باب آنچه رسول‌الله (ص) به ایشان عطا کرده است پذیرفته شود» بیان کرده است (همو، ۱۹۸۸: ۴۲-۴۳). فرمان مأمون، فرمان رسمی و سندی دولتی بود که از مضمونش می‌توان دریافت آنچه در روزهای نخستین پس از مرگ رسول خدا (ص) رخ داد، مصلحت‌بینی‌های سیاسی بود که سنت جاری را تغییر داده است (شهیدی، ۱۳۶۵: ۱۱۸). نقل فرمان مأمون، هرچند ممکن است با انگیزه دلجویی از علویان صورت گرفته باشد، تخطئه عمل ابوبکر به حساب می‌آید و احتمالاً از این رو بوده که ابن‌سعد هیچ اشاره‌ای به آن نکرده است.

ابن‌اثیر (متوفای ۶۳۰ ه.ق.) با بیان اینکه فدک ملک خاص پیامبر (ص) بود و عایدی‌اش صرف غربا و بینوایان می‌شد، ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع) را در قبال موضوع فدک همسو و پیرو رسول خدا (ص) خوانده است (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۲۲۵/۲).^{۱۰} او پس از شرح وضعیت فدک در زمان معاویه و بخشیدن آن به مروان و وقایع پس از آن اظهار کرده است که عمر بن عبدالعزیز در زمان خلافتش، فدک را به وضعیت دوران خلفا از جمله علی (ع) بازگرداند (همان؛ همان: ۶۳/۵) و تولیت فدک را به اولاد فاطمه (س) داد، اما سال‌های بعد مجدداً تولیت فدک از آنها گرفته شد تا اینکه مأمون در سال ۲۱۰ ه.ق. (همان: ۲۲۵/۲) و بعدها منتصر دوباره آن را به اولاد فاطمه (س) بازگرداندند (همان: ۱۱۶/۷). اگرچه از گزارش‌های ابن‌اثیر بر نمی‌آید که باوری به مالکیت فاطمه (س) بر فدک داشته باشد، اما

برخی گزارش‌هایش حاکی از عقیده شیعیان سده‌های نخست تاریخ اسلام به مصادره فدک است. به تصریح ابن‌اثیر، با فرمان معزالدوله (حک. ۳۳۴-۳۵۶ ه.ق.) بر دیوار مساجد بغداد نوشته شد: «نفرین بر کسی که فدک را از فاطمه (س) غصب کرد و ...» (همان: ۵۴۲/۸-۵۴۳). گزارش دیگری نیز از خبیر دشنام به ابوبکر و عمر به دلیل غصب فدک به دست شیعیان در این منبع دیده می‌شود (همان: ۴۲۴/۱۲).

یعقوبی (متوفای ۲۸۴ ه.ق.) از جمله مورخانی است که با بیان خبیر بازگرداندن فدک به دست عمر بن عبدالعزیز به فرزندان فاطمه (س) (یعقوبی، بی تا: ۳۰۵/۲-۳۰۶) و طرح شکایت علویان در زمان مأمون و یادآوری بخشش فدک از طرف رسول خدا (ص) به فاطمه (س) (همان: ۴۶۹/۲) برخلاف ابن‌سعد بر خبیر بخشش فدک به فاطمه (س) از طرف رسول خدا (ص) صحه گذاشته است.

طبری (متوفای ۳۱۰ ه.ق.) بدون اشاره به درخواست فاطمه (س) مبنی بر هبه‌بودن فدک فقط به این نکته اشاره کرده است که فاطمه (س) و عباس میراثشان از پیامبر را از ابوبکر طلب کردند و ابوبکر در پاسخ، حدیث منتسب به پیامبر را بیان کرد و گفت: «من کاری را که پیامبر انجام می‌داد تغییر نخواهم داد» (طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۷/۳-۲۰۸). طبری بلافاصله پس از این روایت می‌گوید فاطمه (س) از ابوبکر دوری کرد و هرگز با وی در این خصوص سخن نگفت تا از دنیا رفت و علی (ع) شبانگاه وی را به خاک سپرد و به ابوبکر خبر نداد (همان). طبق این روایت، فاطمه (س) حدیثی را که ابوبکر بیان کرد نپذیرفت.

مسعودی (متوفای ۳۴۵ ه.ق.) اگرچه خبری مبنی بر هبه‌کردن فدک به فاطمه (س) از طرف رسول خدا (ص) بیان نکرده، اما با مطرح کردن خبر فرمان منتصر عباسی، فرزند متوکل (حک. ۲۴۷-۲۴۸ ه.ق.) مبنی بر بازگرداندن فدک به فرزندان حسن (ع) و حسین (ع) و رهاکردن اوقاف آل‌ابوطالب (مسعودی، ۱۴۰۹: ۵۲/۴) ظاهراً برخلاف باور ابن‌سعد رفته است. حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۶ ه.ق.) از علمای بنام اهل سنت و نیز بسیاری از مورخان و محدثان تصریح کرده‌اند که رسول خدا (ص) پس از نزول آیه «و آتِ ذَٰلِقُرْبٰی حَقَّهٗ» (اسراء: ۲۶)،^{۱۱} فاطمه (س) را فرا خواند و فدک را به او بخشید (حاکم نیشابوری، ۱۳۹۶: ۱۰۸، ۱۱۰،

بررسی و نقد گزارش‌های مربوط به مناقشه فدک در الطبقات الکبری ابن سعد / ۹۳

۱۱۱؛ نیز نک.: کلینی، ۱۴۳۰: ۷۲۵/۲؛ حسکانی، بی‌تا: ۴۳۸-۴۴۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۲۰۹/۱؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۳۳/۱؛ اربلی، ۱۴۲۱: ۴۵۰/۱-۴۵۱). در این میان برخی به بازگرداندن فدک به فرزندان رسول خدا (ص) و علی (ع) به دست عمر بن عبدالعزیز نیز تصریح کرده (اربلی، ۱۴۲۱: ۴۶۷/۱) و معتقد بوده‌اند فدک پیش از آنکه فاطمه (س) دعوی آن را کند، در تصرف ایشان بوده است (همان). خبر گواهی علی (ع) به در دست داشتن فدک در حیات رسول خدا در نهج‌البلاغه ذکر شده است (نهج‌البلاغه، ۴۱۷/۱). شیخ مفید نیز در روایت خود تصریح کرده است که فدک در زمان حیات رسول خدا (ص) در تصرف فاطمه (س) بوده است (نک.: مفید، ۱۴۱۴: ۱۸۳).

از دیگر منابعی که فرمایش فاطمه (س) مبنی بر هبه‌کردن فدک از طرف رسول خدا (ص) به خود و تأیید علی (ع) بر این امر را گزارش کرده معجم‌البلدان است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۳۸/۴-۲۳۹). یاقوت حموی (متوفای ۶۲۶ ه.ق.)، با بیان فرمان عمر بن عبدالعزیز مبنی بر بازگرداندن فدک به فرزندان فاطمه (س) (همان: ۲۳۹/۴) و نامه مأمون مبنی بر بازگرداندن فدک به اولاد فاطمه (س) به استناد شهادت جمعی از علما و فقیهان عصر خویش (همان: ۲۴۰/۴) خلاف ابن‌سعد گزارش کرده است.

ابن‌ابی‌الحدید (متوفای ۶۵۶ ه.ق.) که از کتاب مفقود السقیفة والفدک جوهری بهره برده است، نیز با بیان خبر صدور حکم تقسیم فدک میان اولاد علی (ع) به دست عمر بن عبدالعزیز (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۷۸/۱۶) به نظر می‌رسد بر تعلق فدک به فاطمه (س) صحه گذاشته است، هرچند در ادامه اظهار داشته است که عمر بن عبدالعزیز را به سبب دستورش سرزنش کردند و او [بر اساس مصلحت‌های سیاسی عصر خویش] تصمیمش را تغییر داد و از این‌رو بود که اصل فدک را برای خود نگه داشت و درآمدش را میان اولاد فاطمه (س) تقسیم کرد (همان).

۲. مطالبه فدک از ابوبکر پس از رحلت رسول خدا (ص)

به گزارش ابن‌سعد، فاطمه (س) فردای روز رحلت پیامبر (ص) که با ابوبکر بیعت شد، همراه علی (ع) نزد ابوبکر آمد و میراث خود را از اموال پدرش مطالبه کرد (ابن‌سعد، ۱۴۱۰:

۲/۲۴۱). ابن سعد در روایت دیگری گفته است فاطمه (س) و عباس برای درخواست سهم الارثشان به ابوبکر مراجعه کردند و علی (ع) نیز همراهشان بود (همان؛ نیز نک: طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۷/۳-۲۰۸). ابن سعد مراد فاطمه (س) از «سهم خود» را آنچه خداوند خاصّ رسول خود نهاده، از جمله ماترک پیامبر (ص) در مدینه، فدک و آنچه از خمس خیبر بر جا مانده بود، دانسته است (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۴۰/۲-۲۴۱؛ نیز نک: ابن شهبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۹۶/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۷/۳-۲۰۸).^{۱۲}

برخی تصریح دارند که ابن سعد با گزارش خبر مراجعه عباس برای مطالبه ارث و روایاتی که حاکی از منازعه میان بنی هاشم بر سر ماترک پیامبر است در پی اثبات این موضوع بوده که طرف دعوا و منازعه فاطمه (س) فقط خلیفه اول نبوده، بلکه بزرگ عباسیان نیز چنین ادعایی داشته است. با توجه به اینکه عباسیان حق خلافتشان را از طریق عباس می دانستند، نمی توانستند منکر این منازعه شوند و حق را به خاندان فاطمه (س) و علی (ع) دهند (Khetia, 2013: 21). ابن سعد با مطرح نکردن بازگرداندن فدک به دست مأمون به خاندان فاطمه (س) و نقل ادعای عباس درباره ماترک پیامبر در صدد بوده است عمل عباس بن عبدالمطلب به عنوان مدعی را مقابل عمل مأمون قرار دهد (Ibid.: 23). چنانچه مأمون می پذیرفت که حق با فاطمه (س) بوده، دیگر عباسیان حقی درباره خلافت نداشتند، چراکه عباس سهمی از میراث پیامبر، از جمله حکومت، نداشته و اگر اقدام عباس در کسب میراث صحیح بوده، بنابراین اقدام ابوبکر در مصادره فدک نادرست بوده است؛ زیرا نشان می دهد پیامبران هم ارث می گذارند و به همین سبب عباس هم ادعای ارث داشته است.

ابن سعد در چندین روایت آورده است که ابوبکر در پاسخ درخواست فاطمه (س) ماترک رسول خدا را «صدقات»^{۱۳} نامید و فرمایشی از پیامبر (ص) مبنی بر آنکه «ما ارث نمی گذاریم و آنچه از ما باقی بماند، صدقه است» ذکر کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۳۹/۲-۲۴۰؛ و نیز نک: ابن شهبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۹۶/۱؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۸/۳؛ یعقوبی، بی تا: ۱۲۷/۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۳۷/۳؛ اربلی، ۱۴۲۱: ۴۴۸/۱). ابن سعد فرمایش منتسب به رسول خدا (ص) را به نقل از عایشه و با واسطه از عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، علی (ع)، زبیر، سعد بن ابی وقاص و عباس

بن عبدالمطلب تکرار و اضافه کرده است که منظور پیامبر (ص) از «ما» در عبارت «ما ارث نمی‌گذاریم» شخص خودشان بوده است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۳۹/۲-۲۴۰). ذکر نام علی (ع) و عباس بن عبدالمطلب به عنوان ناقلان این حدیث با روایت ابن‌سعد از مراجعه عباس به منظور مطالبه ارث و دفاع علی (ع) از فاطمه (س) (همان: ۲۴۱/۲) تناقض دارد. ضمن اینکه برخی معتقدند حدیث ارث‌نگذاشتن انبیا، خبر واحدی است که فقط ابوبکر آن را نقل کرده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۴۷/۱۵، ۲۲۱/۱۶). ابن‌شبه نمیری (متوفای ۲۶۳ ه.ق.)، که معاصر ابن‌سعد بوده، و بلاذری، روایتی را ذکر کرده‌اند که بر اساس آن هیچ یک از همسران رسول خدا جز عایشه! از این حدیث اطلاع نداشته‌اند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۹-۴۰؛ نیز نک: همو، ۱۴۱۷: ۵۲۰/۱؛ ابن‌شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۲۰۷/۱).

ابن‌سعد مضمون ارث‌نگذاشتن انبیا را در روایات مشابه دیگری نیز تکرار کرده است؛ اینکه وراثت پیامبر (ص) نباید درهم و دیناری میان خود پخش کنند؛ زیرا هر آنچه از رسول خدا (ص) باقی بماند، پس از نفقه همسران وی و اجرت کارگران، مابقی صدقه خواهد بود و همه خاندان پیامبر (ص) از آن بهره‌مند می‌شوند (همان: ۲۴۰/۲). ابوبکر گفت که هیچ تغییری در صدقات پیامبر (ص) نخواهد داد و آنها را به همان حال که رسول خدا (ص) عمل می‌کرده، باقی خواهد گذاشت (همان؛ نیز نک: ابن‌شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۹۶/۱). این روایت تلویحاً این نکته را به خواننده القا می‌کند که ابوبکر کاملاً مطیع رسول خدا و عامل‌تر از فاطمه (س) و علی (ع) به دستورهای پیامبر بوده است.

گزارش‌ها درباره تقدم و تأخر مطالبه فاطمه (س) راجع به فدک به صورت ارث یا هبه متفاوت است.^{۱۴} ابن‌سعد پس از روایت مطالبه فدک به صورت ارث، پیش از آنکه خبری از مطالبه فدک از طرف فاطمه (س) به عنوان هبه رسول خدا (ص) گزارش کند بیان کرده است که ابوبکر پس از سوگند خوردن به برتری فاطمه (س) بر دختران خویش و اشاره به حدیث منتسب به پیامبر (ص) از فاطمه (س) خواست اگر یقین دارد رسول خدا (ص) اموالی به او بخشیده است، خلیفه نیز سخن وی را خواهد پذیرفت. فاطمه (س) در پاسخ ابوبکر فرمود: «ام‌ایمن آمد و مرا خبر داد که پیامبر (ص) فدک را به من عطا فرموده است».

ابوبکر پرسید: «از ام ایمن شنیدی بگوید فدک از تو است؟ اگر چنین بگویی، تصدیق می‌کنم و از تو می‌پذیرم». فاطمه (س) گفت: «آنچه می‌دانستم با تو گفتم» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۲۴۱/۲). گزارش ابن سعد بسیار مبهم به نظر می‌رسد؛ بر اساس گزارش وی، فاطمه (س) پس از اینکه ابوبکر از او خواست که شهادت ام ایمن را مبنی بر آنکه فدک متعلق به فاطمه (س) است، بیان کند، فقط به ذکر این کلام بسنده کرده است: «آنچه می‌دانستم با تو گفتم». چیدمان گزارش به نحوی است که بر خواننده القا می‌کند که ابوبکر قصد واگذاری فدک به فاطمه (س) را داشت، اما فاطمه (س) خود سخنی نگفت. در گزارش الطبقات، ابوبکر تصریح کرده بود: «اگر چنین بگویی، تصدیق می‌کنم و از تو می‌پذیرم». بنابراین، فرض بر این استوار شده است که چنانچه فاطمه (س) به شهادت ام ایمن صحه می‌گذاشت، ابوبکر آن را می‌پذیرفت. علاوه بر این، این کلام فاطمه (س) که «آنچه می‌دانستم با تو گفتم» ابهام دارد. آیا فاطمه (س) خود، در این ادعا تردید داشت که تقاضای ابوبکر را برآورده نکرد؟! در این گزارش واکنش و پاسخ ابوبکر پس از این کلام فاطمه (س) نیز معلوم نیست. ابن سعد در نهایت، در یکی از روایاتش، تصریح کرده است که ابوبکر چیزی از اموال را به فاطمه (س) نداد و او نیز بر ابوبکر خشمگین شد و تا آخر عمر با خلیفه سخن نگفت (نک: ادامه).

گزارش مطالبه فدک از ابوبکر در منابع به اشکال متفاوتی مطرح شده است. مثلاً برخی منابع به شهادت ام ایمن به نفع فاطمه (س) و بعضاً افراد دیگر اشاره کرده‌اند. به گزارش ابن شهبه، وقتی فاطمه (س) فدک را به عنوان هبه پدر از ابوبکر طلب کرد و ابوبکر از وی شاهد خواست، او علی (ع) و ام ایمن را به عنوان شهود خود معرفی کرد، اما ابوبکر شهادت یک مرد و یک زن را برای این منظور کافی ندانست (ابن شهبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۹۹/۱-۲۰۰). ابن سعد اگرچه سخنی از شهادت علی (ع) نیز به میان نیاورده، اما بلاذری به شهادت علی (ع) و ام ایمن، یا ام ایمن و رباح به نفع فاطمه (س) تصریح کرده است (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۰). ابن سعد در اخبار خود از برخی بخشش‌های رسول خدا (ص) به برخی صحابه گزارش داده است که در آنها سخنی از طلب شاهد نیست (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۹۴/۳).^{۱۰} ضمن اینکه به

بررسی و نقد گزارش‌های مربوط به مناقشه فدک در الطبقات الکبری ابن سعد / ۹۷

تصریح ابن سعد عایشه سوگند یاد کرد که رسول خدا (ص) خانه خود را در ایام حیاتش به او عطا کرده بود (همان: ۳۵۶/۸)، اما تاریخ، ذکری از مطالبه شاهد از دختر خلیفه نخست ندارد! علاوه بر اینها، چگونگی فدک از فاطمه (س) ستانده شد، اما خانه‌های رسول خدا (ص) در دست زنان ایشان باقی ماند و آنها همچون مالک در آن خانه‌ها تصرف کردند (همان: ۱۳۲/۸).

ابوبکر در حالی از فاطمه (س) شاهد خواست که خود خطاب به فاطمه (س) گفته بود: «و انت عندی أمینة مصدقة» (ابن شهبه نمیری، ۱۴۱۰: ۲۱۰). از آنجا که تصرف، نشانه مالکیت است و غیرمتصرف اگر ادعایی دارد، باید بینه اقامه کند، در موضوع فدک نیز ابوبکر باید برای ادعایش شاهد می‌آورد. وجود واژه «فآت» در آیه و اقطاع و اعطاء که در روایات مربوط به این جریان آمده است نشان می‌دهد که فدک تحت ید فاطمه (س) درآمده بود و ید خود بینه داخلی است و با وجود آن نوبت به بینه خارجی نمی‌رسد (برای اطلاع بیشتر، نک: بهاری و عاملی، ۱۳۹۵: ۲۳۱-۲۴۶).

بلاذری ابتدا خبر مطالبه فدک به عنوان هبه و پس از آن خبر مطالبه به عنوان ارث را مطرح کرده است (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۰-۴۱؛ همو، ۱۴۱۷: ۵۱۹/۱). مسعودی بر اساس کتابی از عمرو بن بحر جاحظ (متوفای ۲۵۵ ه.ق.) به نام امامة ولد العباس به مطالبه فاطمه (س) راجع به ارث اشاره کرده است. او اگرچه از هبه‌بودن فدک ذکری به میان نیاورده، اما از همان منبع شاهدان فاطمه (س) را علی، حسنین و ام‌ایمن خوانده است (مسعودی، ۱۴۰۹: ۲۳۷/۳). از آنجا که مطالبه ارث نیازی به شاهد ندارد، احتمالاً این خبر حاکی از ادعای فاطمه (س) در هبه‌بودن فدک دارد.

در گزارش طبرسی تصریح شده است که رسول خدا (ص) پس از گفت‌وگو با جبرئیل فدک را به فاطمه (س) تسلیم کرد و ایشان نیز پس از رحلت پدر نامه را نزد ابوبکر برد و در خصوص تصرفش اعتراض کرد (طبرسی، ۱۴۱۷: ۲۰۹/۱).^{۱۶} البته اربلی در اظهارنظری هوشمندانه عمل ابوبکر را متناقض دانسته است: «اگر فاطمه (س) طلب میراث کرده بود، دیگر نیازی نبود از او شاهد طلب شود؛ زیرا در نسب وی شکی وجود نداشت و اگر فاطمه

(س) ادعا کرده بود که پدرش فدک را به او بخشیده است، اگرچه به شاهد نیاز داشت، اما جایی برای مطرح کردن حدیث «نحن معاشر الأنبياء لا نورث» نبود و این بسیار واضح است» (اربلی، ۱۴۲۱: ۴۵۲/۱).^{۱۷}

در روایتی از بخاری (متوفای ۲۵۶ ه.ق.) تصریح شده است که فاطمه (س) پس از آنکه ابوبکر به روایت [منتسب] به رسول خدا (ص) مبنی بر ارث‌نگذاشتن پیامبران اشاره کرد، ابوبکر را رها کرد و تا آخر حیات خود با وی سخن نگفت (بخاری، ۱۴۲۲: ۷۹/۴، ۱۴۹/۸). ابن‌ابی‌الحدید در خبر دیگری از ابوبکر جوهری، از تصریح فاطمه (س) به هبه‌بودن فدک و مطالبه شاهد از طرف ابوبکر و نهایتاً وعده نفرین ابوبکر از طرف فاطمه (س) خبر داده است (همان: ۲۱۴/۱۶).

۳. اعتراض فاطمه (س) و خشمگین شدن ایشان

به گزارش ابن‌سعد، فاطمه (س) [در اعتراض به عملکرد ابوبکر] از او پرسید: «پس از مرگ تو چه کسانی از تو ارث می‌برند؟». او پاسخ داد: «زن و فرزندانم». فاطمه (س) فرمود: «پس چرا میراث پیامبر (ص) باید به تو برسد و ما محروم باشیم؟». او گفت: «ای دختر رسول خدا! به خدا سوگند من از پدر تو زمین، طلا، نقره، غلام و مالی به ارث نبرده‌ام». فاطمه (س) فرمود: «چرا همان سهمی را که خدا برای ما و ویژه ما نهاده است در دست گرفته‌ای؟» او گفت: «من از رسول خدا شنیدم می‌فرمود: این وسیله خورد و خوراک و روزی است که خداوند در دست من نهاده است و چون مردم باید میان مسلمانان بخش شود» (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۴۰/۲). طرفداران ابوبکر در تبیین استدلال وی در این موضوع، با تمرکز بر بُعد حقوقی پیامبر، اموالی را که به صورت خالصه به ایشان می‌رسید متعلق به دولت اسلامی و نه شخص ایشان خوانده‌اند.

ابن‌سعد در ادامه گزارش‌هایش درباره فدک به دفاع علی (ع) از فاطمه (س) نیز اشاره کرده است. بر مبنای گزارش وی، علی (ع) خطاب به ابوبکر آیه ارث‌بردن سلیمان از داوود (نمل: ۱۶) و دعای زکریا در قرآن مبنی بر ارث‌بردن از او و خاندان یعقوب (مریم:

۶) را بیان کرد، اما ابوبکر گفت: «چنین است و به خدا سوگند شما همان چیزی را می‌دانید که من می‌دانم» و علی (ع) گفت: «این کتاب خدا است که سخن می‌گوید» (همان: ۲۴۱/۲). گزارش ابن سعد این بار نیز نیمه‌کاره و پر از ابهام رها شده است؛ ابن سعد پس از ذکر سخن علی (ع) فقط به این جمله بسنده کرده است: «آنان دیگر سخنی نگفته بازگردیدند».

ابن سعد، در یکی از روایاتش، تصریح کرده است که ابوبکر چیزی از اموال را به فاطمه (س) نداد و او نیز بر ابوبکر خشمگین شد و تا آخر عمر با خلیفه سخن نگفت (همان: ۲۴۰/۲؛ نیز نک.: ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۹۶/۱؛^{۱۸} ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۳۷/۳؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۴۶/۶، ۲۱۸/۱۶). او در روایت دیگر سخن از بخشیدن فاطمه (س) به میان آورده است (همان: ۲۲/۸). اما باید توجه داشت حتی اگر این روایت نادر نیز پذیرفته شود همچنان این پرسش مطرح است که چنانچه ابوبکر خطایی انجام نداده بود از چه رو تقاضای بخشیده شدن از طرف فاطمه (س) را داشته است. بلاذری در گزارش خود در این خصوص تصریح کرده است که فاطمه (س) پس از سخنان ابوبکر سوگند یاد کرد که هرگز با ابوبکر سخن نخواهد گفت و آنها را نفرین خواهد کرد (بلاذری، ۱۴۱۷: ۷۹/۱۰).

در گزارش‌های ابن سعد درباره فدک، ابوبکر به عنوان حاکمی ملایم و باتقوا نشان داده شده که سعی دارد فاطمه (س) را که لحنی تند و تهاجمی دارد آرام کند، در حالی که فاطمه (س) به عنوان دختر پیامبر از ماترک پدر اطلاع دقیق ندارد و شخصی معمولی یا حتی ضعیفی است که قادر به اثبات ادعای خود هم نیست و برای احقاق حقش به راهنمایی دیگران نیاز دارد (Khetia, 2013: 24-25) و لازم است ابوبکر هنجارهای اسلامی را به او یادآوری کند (Ibid.: 13). در حالی که در برخی منابع فاطمه (س) زن برجسته و فصیحی به تصویر کشیده شده است که برای احقاق حق خود ذره‌ای تردید ندارد و حاضر است با مردان قوی روبه‌رو شود و حقش را با اقتدار طلب کند. خطبه فدکیه [که در طبقات حتی بدان اشاره نشده] نمونه چنین موضعی است (Ibid.: 47).

۴. خطبه فدکیه

فاطمه (س) پس از رحلت رسول خدا (ص) خطاب‌های ایراد کردند که به خطبه فدکیه موسوم است. ابن سعد بدون اشاره به خطبه فاطمه (س) در دادخواهی از ظلمی که در حق ایشان شده بود، از کنار این موضوع عبور کرده است. شرح خطبه فاطمه (س) و تظلم خواهی او را در برخی منابع می‌توان ملاحظه کرد. این موضوع در *بلاغات النساء* ابن طیفور (متوفای ۲۸۰ ه.ق.) که بسیار قدیمی است (ابن طیفور، ۱۳۲۶: ۱۶ به بعد) و در شرح *نهج البلاغه* ابن ابی‌الحدید به نقل از کتاب *السقیفة والفدک* ابوبکر جوهری آمده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۱۱/۱۶ به بعد). اربلی خطبه فاطمه (س) را از محاسن و بدایع خطب خوانده و پس از تذکر این نکته که آن را موافق و مخالف ذکر کرده‌اند، شرح خطبه را از کتاب *السقیفة جوهری* به روایت عمر بن شبّه آورده است (اربلی، ۱۴۲۱: ۴۵۳/۱ به بعد).^{۱۹} در *تذکره الخواص* سبط بن جوزی نیز بخش کوتاهی از سخنان فاطمه (س) قابل ملاحظه است (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۸۵). ابومخنف (متوفای ۱۵۷ ه.ق.) کتابی مستقل به نام *خطبة الزهراء* داشته که از بین رفته است. همچنین، ابوالفرج اصفهانی هم کتابی به نام *کلام فاطمه فی فدک* داشته که آن هم از میان رفته است. او در *مقاتل الطالبیین* به صدور این خطبه اشاره کرده است. قاضی نعمان مغربی (متوفای ۳۶۳ ه.ق.) در شرح *الاحبار* بخشی از این خطبه را بدون سند از عبدالله بن سلام نقل کرده است. صدوق در *من لایحضره الفقیه* و سید مرتضی در *الشافی* بخشی از آن را نقل کرده‌اند (برای اطلاع بیشتر، نک: آذربادگان، ۱۳۸۱: ۴۷-۶۹). ابن اثیر (متوفای ۶۰۶ ه.ق.) در کتاب *منال الطالب* می‌نویسد: «این خطبه بیشتر از طریق اهل بیت نقل شده؛ هرچند طرق دیگری نیز دارد که طولانی‌تر است و ابن‌قتیبه هم معتقد به درستی اصل آن است» (مرادی و مفتاح، ۱۳۹۸: ۳۴۳). با توجه به این حجم از منابع قدیمی تردید در اصالت این خطبه پذیرفته نیست.

ابن سعد مراجعه فاطمه (س) به ابوبکر را فردای رحلت پیامبر خوانده است (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۲۴۱/۲)، اما بر مبنای گزارش ابن‌ابی‌الحدید مصادره فدک ده روز پس از رحلت رسول خدا (ص) اتفاق افتاد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۶۳/۱۶) و زمان ایراد خطبه نیز همین ایام بوده

است. برخی تحقیقات با ذکر شواهدی گفته‌اند زمان مصادره فدک، پیش از ماجرای هتک حرمت به منزل فاطمه (س)، زمانی رخ داد که بیشتر مهاجران و انصار میانه‌رو در جیش اسامه به سر می‌بردند (نک: جباری و حسین‌پور، ۱۳۹۲: ۸۶) و احتمالاً به همین علت از طرفداری بزرگان مهاجر و انصار به نفع ایشان خبری موجود نیست!

نتیجه

ابن سعد در اخبار فدک، خبر بخشیدن فدک به فاطمه (س) از طرف رسول خدا (ص) را ذکر نکرده و برعکس، فاطمه (س) را خواستار فدک و پدر را مخالف آن خوانده است. از این رو اساساً مطالبه فاطمه (س) راجع به مالکیت فدک به واسطه هبه‌بودن را نادرست نمایانده است. بر مبنای گزارش الطبقات، فاطمه (س) خود نیز ظاهراً در ادعای هبه‌بودن دچار تردید شده بود، چراکه پس از تقاضای ابوبکر مبنی بر تصریح به شهادت ام‌ایمن در اثبات ادعای خویش، بدون تصریح به آن به ذکر این کلام بسنده کرد: «آنچه می‌دانستم با تو گفتم!». به علاوه، با حذف خبر فرمان عمر بن عبدالعزیز و مأمون عباسی مبنی بر بازگرداندن فدک به خاندان فاطمه (س) بر موضع خود استوار مانده است.

در خبر مطالبه فاطمه (س) راجع به سهم الارث، پس از ذکر استدلال ابوبکر درباره ارث‌نبردن از پیامبر (ص) و ذکر محاجه فاطمه (س) و علی (ع) با وی، از ناراحتی فاطمه (س) و سخن‌نگفتن با ابوبکر تا پایان عمرش خبر داده است، اما با توجه به سکوت ابن سعد راجع به اختلافات ناشی از جانشینی پیامبر (ص)، خواننده موضع فاطمه (س) را در تقابل با فرمایش پدر و ناشی از دنیاطلبی او و ابوبکر را تابع سنت و کلام رسول خدا (ص) می‌یابد.

ابن سعد با امتناع از گزارشی که طبق آن فاطمه (س) پس از یادآوری حدیث معروف پیامبر (ص) راجع به خشم و ناراحتی فاطمه (س)، بر ناراضی‌بودن خویش از آنان تأکید کرد، خبر نامشهور بخشوده‌شدن ایشان از طرف فاطمه (س) را ذکر کرده است. این خبر با روایت مشهور ناراضیتی فاطمه (س) تا لحظه درگذشتش، که ابن سعد خود از روایانش بود،

در تضاد است. اما چون خواننده *الطبقات* از مسائلی جانشینی پیامبر (ص) آگاه نشده و شاهدی بر ناراحتی فاطمه (س) از آن ندارد، احتمال می‌دهد عذرخواهی‌شان از فاطمه (س) ناشی از امتناع [به حق] ابوبکر در ماجرای فدک و سهم‌الارث بوده است. در واقع، باید اذعان داشت که گزارش فدک در کتاب *الطبقات* با باورهای اساسی همچون مشروعیت خلافت ابوبکر و عدالت صحابه گره خورده و با حذف روایات اساسی همراه است.

پی‌نوشت‌ها

۱. باید توجه داشت که واژه «اخباری» در متون تاریخی در دو معنای کاملاً متفاوت به کار می‌رود. در معنای نخست و قدیمی‌تر آن به معنای نخستین مورخان است که راه خود را از محدثان جدا کرده و شیوه جدیدی برای بیان گزارش‌های تاریخی برگزیدند. در این روش مجموعه گزارش‌های مربوط به یک واقعه به صورت یکجا گرد می‌آید. امروز شاید بتوان آن را با تکننگاری تاریخی مقایسه کرد. نمونه‌های متعددی از این گونه آثار در منابع موجود است، مثلاً *اخبار زیاد بن ابیه، اخبار العباس* و ... در معنای دوم که به فرهنگ شیعی اختصاص دارد به نص‌گرایان افراطی گفته می‌شود که مخصوصاً از دوره صفویه پدید آمدند و حدیث را بر ظاهر قرآن نیز حجت می‌دانستند و خوش‌بینی خاصی به کتب اربعه حدیثی شیعی داشتند (نک: قیصری، ۱۳۷۵، «اخباریان»؛ سجادی، و عالم‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۲). در این مقاله «اخباری» به معنای نخست آن به کار رفته است.

۲. یاقوت حموی فاصله روستای فدک در حجاز را، که سال هفتم هجرت بدون نبرد و به صورت فیء در اختیار پیامبر (ص) قرار گرفت، تا مدینه دو یا سه روز راه خوانده است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۲۳۸/۴).

۳. به گزارش بلاذری، فواید فدک صرف مسافران درمانده می‌شد (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۸) و رسول خدا (ص) از آن انفاق می‌کرد، معاش می‌ساخت و به مستمندان بنی‌هاشم می‌داد و بیوه‌های ایشان را همسر می‌داد (همان: ۴۱).

۴. برخی محققان به خبری حاکی از بازگرداندن فدک به دست عمر بن خطاب به ورثه رسول خدا (ص) در صحاح اهل سنت اشاره کرده و گفته‌اند چنانچه آن خبر صحیح باشد، حکم ابوبکر درباره فدک حکمی سیاسی و موقت و موضع‌گیری او در آن لحظات حساس، به مقتضای مصالح و منافع حکومت بوده است (صدر، ۱۳۶۰: ۶۲-۶۳). باید توجه داشت روایتی که از صحیحین (بخاری، ۱۴۲۲: ۹۸/۹؛ نیشابوری، بی‌تا:

بررسی و نقد گزارش‌های مربوط به مناقشه فدک در الطبقات الکبری ابن سعد / ۱۰۳

۱۳۷۷/۳) یاد شده روایت مجعولی به نظر می‌رسد. روایت مشهور در بیشتر منابع آن است که عمر و ابوبکر سیاست یکسانی در موضوع فدک داشته‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۳/۵؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۰-۴۲؛ همو، ۱۴۱۷: ۱۶۸/۸؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۲۲۵/۲). فدک در زمان عمر در مصادره حکومت بود و آنچه از طرف عمر به عباس و علی (ع) تعلق یافت، صدقات رسول خدا (ص) در مدینه بود (ابن‌شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۲۰۷/۱؛ اربلی، ۱۴۲۱: ۴۴۸/۱-۴۴۹). در صحیحین نیز روایتی دال بر تصریح به بازنگرداندن فدک به دست عمر به ورثه پیامبر وجود دارد (بخاری، ۱۴۲۲: ۷۹/۳۴؛ نیشابوری، بی‌تا: ۱۳۸۱/۳).

۵. ابن سعد بدون اشاره به چگونگی اوضاع فدک در سال‌های خلافت علی (ع) می‌گوید مروان بن حکم، والی مدینه، در دوران خلافت معاویه در سال چهارم هجرت، فدک را مطالبه کرد و معاویه پذیرفت (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۳/۵). مروان همه‌ساله محصول فدک را به ده هزار دینار می‌فروخت. معاویه پس از برکناری مروان از حکومت مدینه، فدک را از او بازستاند و در اختیار وکیل خود در مدینه قرار داد. وقتی معاویه، مروان را برای بار دوم به حکومت مدینه گماشت، فدک را به او واگذار کرد و معادل غله و محصول سال‌های گذشته آن را هم به او پرداخت و بدین ترتیب فدک در تصرف مروان باقی ماند. مروان نیمی از فدک را به پسرش عبدالملک و نیم دیگر را به پسر دیگرش عبدالعزیز بخشید. عبدالعزیز سهم خویش را به پسرش عمر بن عبدالعزیز هبه کرد. پس از مرگ عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز از ولید و سلیمان تقاضا کرد سهم خود را به او ببخشند و آن دو پذیرفتند. عمر بن عبدالعزیز سهام پسران دیگر عبدالملک را نیز فراهم آورد و همه از آن او شد (همان: ۳۰۲/۵-۳۰۳؛ نیز نک.: بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۱-۴۲). به گزارش برخی منابع، عثمان بود که فدک را تیول مروان بن حکم کرد (ابن‌قتیبه دینوری، ۱۹۹۲: ۱۹۵).

۶. شرح نامه این‌گونه است: «بسم الله الرحمن الرحيم، از بنده خدا عمر امیر مؤمنان به ابوبکر بن محمد ... اما بعد، درباره فدک نگریستم و از آن جوینا شدم، برای من روا نیست و چنین دیدم که آن را به حالی که در روزگار رسول خدا (ص) و ابوبکر و عمر و عثمان بوده است برگردانم و آنچه را پس از ایشان پدید آمده است، رها سازم. اینک همین که نامه‌ام به دست تو رسید آن را تصرف کن و مردی را بر آن بگمار که در آن باره به حق قیام کند، و سلام بر تو باد» (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۳۰۳/۵).

۷. یا ام‌ایمن و رباح (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۰-۴۱). رباح، برده سیاه و آزادکرده پیامبر (ص) بود (ابن‌اثیر، ۱۴۰۹: ۴۹/۲).

۸. اگرچه ابن‌سعد نامی از علی (ع) ذکر نکرده، اما بلاذری با ذکر نام ایشان همراه ابوبکر، عمر و عثمان، عملکرد علی (ع) در سال‌های حکومت خود راجع به فدک را مطابق خلفای پیشین ذکر کرده است (بلاذری، ۱۹۸۸: ۴۱-۴۲؛ همو، ۱۴۱۷: ۱۶۸/۸).

۹. زنان پیامبر (ص)، عثمان بن عفان را نزد ابوبکر فرستادند و میراث خود را از سهم رسول‌الله (ص) در

خیبر و فدک درخواست کردند. عایشه به آنان یادآور شد: «آیا از خدا نمی‌هراسید؟ مگر نشنیده‌اید رسول خدا (ص) می‌گفت: آنچه را به عنوان صدقه باز می‌گذاریم، میراث ما نخواهد بود. همانا این اموال به آل محمد و برای واردان و میهمانان ایشان اختصاص خواهد داشت و چون بمیرم این امر به ولی امر پس از من راجع است؟» و آنان نیز دست برداشتند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۹-۴۰؛ نیز نک.: همو، ۱۴۱۷: ۱/۵۲۰؛ ابن‌شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱/۲۰۷).

۱۰. این گزارش در صدد همسو نشان دادن سیاست علی (ع) و ابوبکر درباره فدک است. در منابع گزارشی از بازگرداندن فدک به دست علی (ع) پس از به خلافت رسیدن ایشان در دست نیست، ضمن اینکه از [امام] صادق (ع) نقل است که علی (ع) با تأسی به رسول خدا (ص) فدک را پس نگرفت، چراکه پیامبر (ص) حاضر نشده بود پس از فتح مکه، خانه‌اش را که عقیل بدون اجازه فروخته بود، پس بگیرد (اربلی، ۱۴۲۱: ۱/۴۶۶-۴۶۷). به گزارش ابن‌شهر آشوب نیز [امام] باقر (ع) در پاسخ به اینکه چرا علی (ع) هنگامی که به خلافت رسید به موضوع فدک نپرداخت، فرمود: «آنان خاندانی هستند که آنچه به ستم از آنان ستانده شده را بازپس نمی‌گیرند» (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱/۲۳۲). به رغم این گزارش‌ها، برخی محققان معتقدند مسلماً علی (ع) درباره فدک به شیوه خلفا رفتار نکرده است (نک.: صدر، ۱۳۶۰: ۳۲).

۱۱. از آنجا که سوره اسراء را سوره مکی دانسته‌اند، برخی مفسران برخی آیاتش را استثنا خوانده‌اند (طبرسی، ۱۴۱۷: ۱/۹۳).

۱۲. برخی محققان دسته‌بندی مطالبات فاطمه (س) از قدرت حاکمه را این‌گونه بیان کرده‌اند: ۱. عطیه و آنچه رسول خدا (ص) به او بخشیده بود؛ ۲. ارثیه وی؛ ۳. سهم ذوی‌القربی (عسگری، ۱۴۱۲: ۱/۱۴۰/۲). برای اطلاعات بیشتر نک.: استادی، «فدک».

۱۳. «صدقات رسول خدا (ص)» را اصطلاحی برای میراث غیرمنقول رسول خدا می‌خوانند که علمای مکتب خلافت از جمله محدثان، مورخان، فقیهان و لغویان، صرفاً بر اساس روایتی که ابوبکر از رسول خدا (ص) نقل کرد، به کار برده‌اند (عسگری، ۱۴۱۲: ۱/۱۴۱/۲).

۱۴. فاطمه (س) ابتدا فدک را به عنوان هدیه‌ای که رسول خدا (ص) در زمان حیات خویش به ایشان بخشیده بود، مطالبه کرد و وقتی ابوبکر ادعای ایشان را نپذیرفت ارث را مطرح کرد (نک.: شریف مرتضی، ۱۴۰۷: ۱/۱۰۴). یعنی اگر آن مال به ایشان هدیه داده نشده بود نیز باید به عنوان ارث به ایشان می‌رسید، اما برخی مطالبه ارث را بر مطالبه هبه مقدم داشته‌اند (صدر، ۱۳۶۰: ۱۰۸). منظور از «ارث»، اصطلاحی نیست که به واسطه آن اموال پدر بعد از فوت به فرزند می‌رسد، بلکه شامل مطلق چیزهایی است که از والدین به فرزندان منتقل می‌شود، چه در زمان حیات ایشان باشد یا بعد از فوت آنان. اگر منظور ارث اصطلاحی باشد، لازمه‌اش این است که فدک پس از رحلت پیامبر (ص) به فاطمه (س) رسیده باشد، اما

اینکه فدک پیش از رحلت در اختیار ایشان بود احتمالاً بیانگر آن است که لفظ «ارث» به معنای آنچه پس از مردن به انسان می‌رسد نیست (منتظری، ۱۳۷۴: ۲۲۸-۲۲۹).

۱۵. عبدالرحمن بن عوف مدعی بود پیامبر (ص) زمینی را در شام به او واگذار کرده است. پیامبر (ص) رحلت کرد و در این باره دستوری نوشته نشد. عبدالرحمن گفت پیامبر فرموده بود: «هر گاه خداوند شام را برای ما گشود، آن زمین از آن تو خواهد بود» (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۹۴/۳).

۱۶. چنانچه پیامبر سندی مکتوب به فاطمه (س) داده بود، ابوبکر از ایشان طلب شاهد نمی‌کرد، ضمن اینکه این خبر در منابع متقدم تاریخی نیز بازتاب بیشتری پیدا می‌کرد.

۱۷. یوسف شعار، که از جمله قرآن‌بندگان شیعی است، معتقد است فاطمه (س) هیچ‌گاه به آیات مربوط به ارث انبیا استناد نکرده است؛ چون این آیات با توجه به قبل آن مربوط به ارث‌بردن علم و نبوت است و لذا پذیرش این مطلب افتراء بر حضرت زهرا (س) است. اما برداشت وی کاملاً اشتباه و برعکس است؛ فخر رازی (متوفای ۶۰۶ ه.ق.)، که شاید بزرگ‌ترین مفسر سنی است، در توضیح این آیه می‌نویسد که علم و نبوت موروثی نیست. به نوشته شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.) هم، نبوت انتقال‌پذیر نیست و تابع مصلحتی است که سنت در آن دخالتی ندارد و علم نیز موقوف است بر کسی که متعرض آن شود و آن را فرا گیرد (مرادی، ۱۳۹۸: ۳۳۵).

۱۸. ابن شبه علی‌رغم تصریح به اینکه فاطمه (س) تا لحظه رحلت خویش با ابوبکر سخن نگفت (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰: ۱۹۶/۱) در خبر دیگری نوشته است که فاطمه (س) درباره آن مال صحبت نکرد (همان: ۱۹۷/۱؛ نیز نک.: طبری، ۱۳۸۷: ۲۰۸/۳).

۱۹. فاطمه (س) در خطبه‌اش، بخشیده شدن فدک از طرف پیامبر (ص) را مطرح نکرد و فقط از ارث نام برد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۱۲/۱۶؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸: ۲۸۵؛ اربلی، ۱۴۲۱: ۴۶۲/۱). به حسب ظاهر، مراد حضرت از ارثی که در این خطبه مطرح کرده‌اند همان ارث مصطلح است، اما احتمال دارد ارثی که ایشان می‌فرماید، ارث مصطلح نبوده و شامل مطلق چیزهایی باشد که از پدر یا مادر به انسان می‌رسد، یعنی آنچه را در زمان حیات والدین به انسان می‌رسد نیز شامل شود. در حقیقت، منظور حضرت از ارث، ارث مصطلح فقهی نیست که فقط پس از فوت پدر یا مادر به فرزندان منتقل می‌شود، بلکه معنای آن، عام و گسترده بوده و شامل نحله هم می‌شود (منتظری، ۱۳۷۴: ۲۲۶).

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه (٢٠٠٤/١٤٢٥). گردآورنده: سید رضی، محقق: صبحی الصالح، قاهره: دار الكتاب مصری، بیروت: دار الكتاب اللبنانی.

آذربادگان، حسین علی (١٣٨١). «نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک»، در: علوم حدیث، ش ٣٦، ص ٤٧-٦٩.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (١٤٠٤). شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

ابن اثیر جزری، أبو الحسن علی بن محمد (١٤٠٩). اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفكر.

ابن اعثم الکوفی، أبو محمد أحمد (١٤١١). الفتوح، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الأضواء.

ابن حجر عسقلانی، شهاب الدین ابی الفضل احمد بن علی (بی تا). تهذیب التهذیب، بیروت: دار صادر.

ابن سعد، محمد (١٤١٠). الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن شبه نمیری، ابو زید عمر (١٤١٠). تاریخ المدینة (أخبار المدینة النبویة)، محقق: فهیم محمد شلتوت، قم (افست): دار الفكر.

ابن طیفور، أبو الفضل أحمد بن أبی طاهر (١٣٢٦). بلاغات النساء، تصحیح: احمد الالفی، قاهره: مطبعة مدرسة والده عباس الأول.

ابن قتیبه دینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم (١٩٩٢). المعارف، تحقیق: ثروت عکاشة، القاهره: الهيئة المصریة العامة للكتاب.

ابن ندیم، ابو الفرج محمد بن اسحاق (١٤١٧). الفهرست، بیروت: دار المعرفة.

ابن هشام الحمیری المعافری، عبد الملك بن هشام (بی تا). السیرة النبویة، تحقیق: مصطفى السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (١٣٧٦). مناقب آل أبی طالب، تصحیح: لجنة من اساتذة، النجف الأشرف: المطبعة الحیدریة.

اربلی، ابو الحسن علی بن عیسی (١٤٢١). كشف الغمة فی معرفة الأئمة، قم: منشورات الشریف الرضی.

استادی، رضا (١٣٨٢). «فدک»، در: دانش نامه امام علی (ع)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

بخاری، محمد بن اسماعیل (١٤٢٢). صحیح البخاری، تحقیق: محمد زهیر بن ناصر الناصر، بی جا: دار طوق النجاة.

بررسی و نقد گزارش‌های مربوط به مناقشه فدک در الطبقات الكبرى ابن سعد / ۱۰۷

بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷). *انساب الاشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر.

بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۸۸). *فتوح البلدان*، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
بهارى، حمید؛ عاملی، سید حسن (۱۳۹۵). «کارآمدی قاعده ید در اثبات مالکیت حضرت زهرا (ع) بر فدک»، در: *فقه و مبانی حقوق اسلامی*، س ۴۹، ش ۲، ص ۲۳۱-۲۴۶.
جبارى، محمدرضا؛ حسین‌پور، سید علی (۱۳۹۲). «تاریخ و ترتیب حوادث منتهی به شهادت حضرت زهرا»، در: *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، س ۱۰، ش ۲، ص ۷۵-۱۰۰.
حاکم نیشابوری، ابی عبد الله محمد بن عبد الله (۱۳۹۶). *فضائل فاطمة الزهرا (ع)*، تحقیق و ترجمه: محمود نعمتی، تهران: سخن.

حسکانی، عبید الله بن عبد الله (بی‌تا). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، محقق: محمد باقر محمودی، تهران: مؤسسه الطبع والنشر.

سبط بن جوزی، شمس‌الدین ابوالمظفر (۱۴۱۸). *تذکره الخواص*، قم: منشورات الشریف الرضی.
سجادی، سید جعفر؛ عالم‌زاده، هادی (۱۳۸۰). *تاریخ‌نگاری در اسلام*، تهران: سمت.
شریف مرتضی، علی بن الحسین (۱۴۰۷). *الشافی فی الإمامة*، محقق: سید عبد الزهراء الحسینی الخطیب، تهران: مؤسسه الصادق (ع).

شهیدی، سید جعفر (۱۳۶۵). *زن‌گانی فاطمه (ع)*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
صدر، محمدباقر (۱۳۶۰). *فدک در تاریخ*، ترجمه: محمود عابدی، تهران: بنیاد بعثت.
صفری فروشانی، نعمت‌الله؛ عالمی، علی‌رضا (۱۳۹۳). «فدک»، در: *دانش‌نامه فاطمی (ع): حیات، منزلت و شخصیت فاطمی (س)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم: آل‌البيت (ع).
طبری، أبو جعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق: محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

عسگری، مرتضی (۱۴۱۲). *معالم المدرستین*، تهران: مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة والنشر.
قبصری، احسان (۱۳۷۵). «اخباریان»، در: *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۳۰). *الکافی*، محقق: مرکز بحوث دار الحدیث، قم: دار الحدیث.
المدیهش، ابراهیم بن عبد الله (۱۴۴۰). *فاطمة بنت محمد (ص): سیرتها، فضائلها، مسندها*، ریاض: دار الآل والصحب الوقیفة.

- مرادی، سعید؛ مفتاح، محمدهادی (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی مسئله وراثت انبیا و خطبه فاطمه زهرا (ع) در جریان غصب فدک در آرای یوسف شعار و مفسران فریقین»، در: پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ش ۹، ص ۳۲۵-۳۴۷.
- مسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین بن علی (۱۴۰۹). *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق: اسعد داغر، قم: دار الهجرة.
- مسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین بن علی (بی تا). *التنبیه والإشراف*، تصحیح: عبد الله اسماعیل الصاوی، القاهرة: دار الصاوی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴). *الاختصاص*، محقق: علی اکبر غفاری، سید محمود زرنندی، بیروت: دار المفید للطباعة والنشر والتوزیع.
- منتظری، حسین علی (۱۳۷۴). *خطبه حضرت فاطمه زهرا (س) و ماجرای فدک*، قم: دفتر آیت الله منتظری.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (بی تا). *صحیح المسلم*، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبد الله یاقوت بن عبد الله (۱۹۹۵). *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دار صادر.
- Fück, J. (1986). "Ibn Sad", *Encyclopedia of Islam*, second edition, Brill, Leiden.
- Khetia, V. (2013). *Fatima as a Motif of Contention and Suffering in Islamic Sources*, A Thesis in the Department of Religion (MA), Concordia University, Montreal, Quebec, Canada.

References

The Holy Quran

Nahj al-Balaghah. 2004. Collected by Sayyed Razi, Researched by Sobhi al-Saleh, Cairo: Egyptian Book House, Beirut: Lebanese Book House. [in Arabic]

Al-Mahdish, Ibrahim ibn Abdollah. 2019. *Fatemah Bent Mohammad (S): Siratoha, Fazaeloha, Mosnadoha (Fatima, Daughter of Mohammad (S): Her Biography, Virtues, Narrations)*, Riyadh: House of Endowment for Family Members & Companions. [in Arabic]

Askari, Mortaza. 1992. *Maalem al-Madrasatayn (Teachings of Two Schools)*, Tehran: Al-Bethah Institute, Printing and Publishing Center. [in Arabic]

Azarbadgan, Hoseyn Ali. 2002. "Negahi Gozara be Asnad wa Manabe Maktub Khotbeh Fadak (A Brief Look at the Documents and Written Sources of Fadak's Sermon)", in: *Hadith Sciences*, no. 36, pp. 47-69. [in Farsi]

Bahari, Hamid; Aameli, Seyyed Hasan. 2016. "Karamadi Ghaedeh Yad dar Ethbat Malekiyat Hazrat Zahra (AS) bar Fadak (The Effectiveness of the *Yad* Rule in Proving the Ownership of Hazrat Zahra (AS) over Fadak)", in: *Jurisprudence and Principles of Islamic Law*, yr. 49, no. 2, pp. 231-246. [in Farsi]

Balazori, Ahmad ibn Yahya ibn Jaber. 1988. *Fotuh al-Boldan*, Beirut: Al-Helal Library House. [in Arabic]

Balazori, Ahmad ibn Yahya ibn Jaber. 1997. *Ansab al-Ashraf*, Researched by Sohayl Zakar & Riyaz Zarakli, Beirut: Institute of Thought. [in Arabic]

Bokhari, Mohammad ibn Ismail. 2002. *Sahih al-Bokhari*, Researched by Mohammad Zohayr ibn Naser al-Naser, n.p: Togh al-Najah House. [in Arabic]

Erbeli, Abu al-Hasan Ali ibn Isa. 2001. *Kashf al-Ghommah fi Ma'refah al-Aemmah*, Qom: Al-Sharif al-Razi Publications. [in Arabic]

Fück, J. 1986. "Ibn Sad", *Encyclopedia of Islam*, Second Edition, Brill, Leiden.

Gheysari, Ehsan. 1996. "Akhbariyan (Akhbaris)", in: *The Great Islamic Encyclopedia*, Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center. [in Farsi]

Hakem Neyshaburi, Abi Abdollah Mohammad ibn Abdollah. 2017. *Fazael Fatemah al-Zahra (AS) (Virtues of Fatima al-Zahra)*, Researched & Translated by Mahmud Nemati, Tehran: Speech. [in Arabic]

- Haskani, Obeydollah ibn Abdollah. n.d. *Shawahed al-Tanzil le Ghawaed al-Tafzil*, Researched by Mohammad Bagher Mahmudi, Tehran: Printing and Publishing Institute. [in Tehran]
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid Hebatollah. 1984. *Sharh Nahj al-Balaghah (Explanation of Nahj al-Balaghah)*, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library. [in Arabic]
- Ibn Atham al-Kufi, Abu Mohammad Ahmad. 1991. *Al-Fotuh*, Researched by Ali Shiri, Beirut: Lights House. [in Arabic]
- Ibn Athir Jazari, Abu al-Hasan Ali ibn Mohammad. 1989. *Osd al-Ghabah fi Marefah al-Sahabah (Forest Lion in Recognition of the Companions of the Prophet)*, Beirut: Thought Institute. [in Arabic]
- Ibn Ghotaybah Dinewari, Abu Mohammad Abdollah ibn Moslem. 1992. *Al-Maaref (Spiritual Teachings)*, Researched by Therwat Akashah, Cairo: The Egyptian General Book Authority. [in Arabic]
- Ibn Hajar Asghalani, Shahab al-Din Abi al-Fazl Ahmad ibn Ali. n.d. *Tahzib al-Tahzib (Refinement of the Refinement)*, Beirut: Al-Sader Institute. [in Arabic]
- Ibn Hesham al-Hemyari al-Moaferi, Abd al-Malek ibn Hesham. n.d. *Al-Sirah al-Nabawiyyah (Biography of the Prophet)*, Researched by Mostafa al-Sagha, Ibrahim al-Abyari & Abd al-Hafiz Shelbi, Beirut: House of Knowledge. [in Arabic]
- Ibn Nadim, Abu al-Faraj Mohammad ibn Eshagh. 1997. *Al-Fehrest (The List)*, Beirut: House of Knowledge. [in Arabic]
- Ibn Sad, Mohammad. 1990. *Al-Tabaghat al-Kobra (Major Classes)*, Researched by Mohammad Abd al-Ghader Ata, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Shahr Ashub, Mohammad ibn Ali. 1957. *Managheb Al Abi Taleb (Virtues of Abi Taleb's Family)*, Edited by A Committee of Professors, Najaf: Al-Haydariyah Press. [in Arabic]
- Ibn Shobbah, Abu Zayd Omar. 1990. *Tarikh al-Madinah: Akhbar al-Madinah al-Nabawiyah (History of Medina)*, Researched by Fahim Mohammad Shaltut, Qom: Thought House. [in Arabic]
- Ibn Tayfur, Abolfazl Ahmad ibn Abi Taher. 1908. *Balaghat al-Nesa (Women's Rhetoric)*, Edited by Ahmad al-Alfi, Cairo: Abbas I's Mother's School. [in Arabic]

- Jabbari, Mohammad Reza; Hoseynpur, Seyyed Ali. 2013. "Tarikh wa Tartib Hawadeth Montahi be Shahadat Hazrat Zahra (Date and Sequence of Events Leading to the Martyrdom of Hazrat Zahra)", in: *History of Islam in the Mirror of Research*, yr. 10, no. 2, pp. 75-100. [in Farsi]
- Khetia, V. 2013. *Fatima as a Motif of Contention and Suffering in Islamic Sources*, A Thesis in the Department of Religion (MA), Concordia University, Montreal, Quebec, Canada.
- Kolayni, Abu Jafar Mohammad ibn Yaghub. 2009. *Al-Kafi*, Researched by Hadith Research Center, Qom: House of Hadith. [in Arabic]
- Masudi Abu al-Hasan Ali ibn al-Hosayn ibn Ali. 1989. *Moruj al-Zahab wa Maaden al-Jawhar (Meadows of Gold and Mines of Gems)*, Researched by Asad Dagher, Qom: Al-Hejrah House. [in Arabic]
- Masudi Abu al-Hasan Ali ibn al-Hosayn ibn Ali. n.d. *Al-Tanbih wa al-Eshraf*, Edited by Abdollah Ismail al-Sawi, Cairo: Al-Sawi House. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1994. *Al-Ekhtesas*, Researched by Ali Akbar Ghaffari, Seyyed Mahmud Zarandi, Beirut: Al-Mofid House for Printing, Publishing and Distribution. [in Arabic]
- Montazeri, Hoseyn Ali. 1995. *Khotbeh Hazrat Fatemeh Zahra (AS) wa Majaray Fadak (Sermon of Lady Fatima Zahra (AS) and the Incident of Fadak)*, Qom: Office of Ayatollah Montazeri. [in Farsi]
- Moradi, Said; Mofatteh, Mohammad Hadi. 2019. "Barresi Tatbighi Masaleh Werathat Anbiya wa Khotbeh Fatemeh Zahra (AS) dar Jaryan Ghasb Fadak dar Aray Yusof Shear wa Mofasseran Farighayn (A Comparative Study on the Issue of the Inheritance of the Prophets and the Sermon of Fatima Zahra (AS) during the Usurpation of Fadak between the Views of Yusof Shear and Shiite and Sunni Commentators)", in: *Comparative Interpretation Research*, no. 9, pp. 325-347. [in Farsi]
- Neyshaburi, Moslem ibn Hajjaj. n.d. *Sahih Moslem*, Researched by Mohammad Foad Abd al-Baghi, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Ostadi, Reza. 2003. "Fadak", in: *Encyclopedia of Imam Ali (AS)*, Tehran: Institute of Islamic Culture and Thought. [in Farsi]
- Sadr, Mohammad Bagher. 1981. *Fadak dar Tarikh (Fadak in History)*, Translated by Mahmud Abedi, Tehran: Bethat Foundation. [in Farsi]

- Safari Forushani, Nematollah; Aalemi, Ali Reza. 2014. "Fadak", in: *Encyclopedia of Fatima (AS): Life, Dignity and Personality of Fatima (AS)*, Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [in Farsi]
- Sajjadi, Seyyed Jafar; Aalemzadeh, Hadi. 2001. *Tarikhnegari dar Islam (Historiography in Islam)*, Tehran: Samt. [in Farsi]
- Sebt ibn Jawzi, Shams al-Din Abu al-Mozaffar. 1998. *Tazkerah al-Khawass (Provision for Gentlefolks)*, Qom: Al-Sharif al-Razi Publications. [in Arabic]
- Shahidi, Seyyed Jafar. 1986. *Zendegani Fatemah (AS) (Life of Fatima (AS))*, Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [in Farsi]
- Sharif Mortaza, Ali ibn al-Hosayn. 1987. *Al-Shafi fi al-Emamah (The Healer in the Imamate)*, Researched by Sayyed Abd al-Zahra al-Hosayni al-Khatib, Tehran: Al-Sadegh (AS) Institute. [in Arabic]
- Tabari, Abu Jafar Mohammad ibn Jarir. 1968. *Tarikh al-Omam wa al-Moluk (History of the Nations and the Kings)*, Researched by Mohammad Abolfazl Ibrahim, Beirut: House of Heritage. [in Arabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan. 1997. *Elam al-Wara be Alam al-Hoda*, Qom: Al al-Bayt (AS). [in Arabic]
- Yaghubi, Ahmad ibn Abi Yaghub. n.d. *Tarikh al-Yaghubi*, Beirut: Sader House. [in Arabic]
- Yaghut Hemawi, Shahab al-Din Abu Abdollah Yaghut ibn Abdollah. 1995. *Mojam al-Boldan (Dictionary of Countries)*, Beirut: Sader House. [in Arabic]